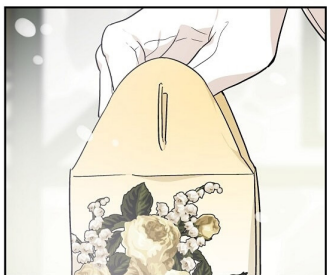




**DO NOT REPOST  
THIS ANYWHERE!**  
ESPECIALLY ON INSTAGRAM





ممکنه دوباره بخاطر  
خریدن این چیزا  
براش سرم نق بزنه



به خونه خوش  
اومدید، قربان



همم، الیزه کجاست؟  
هنوز خونست؟

بله، قربان. امروز تعطيله،  
برای همین نرفتن سر  
کار

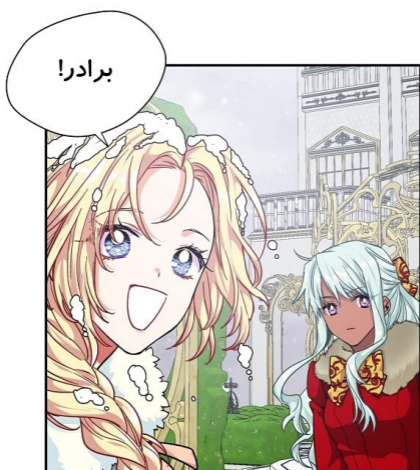
اینطوريه؟

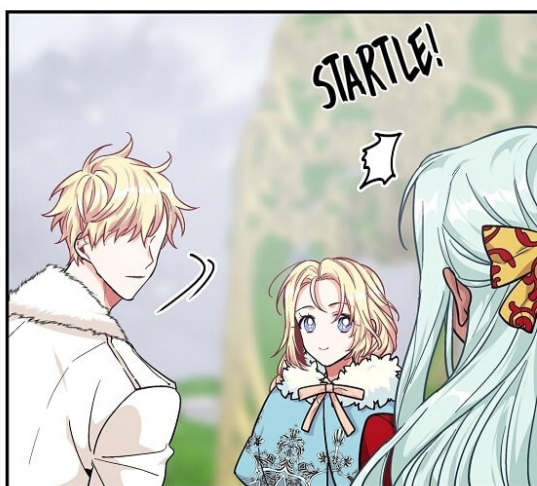
کیا!!

.....!!











...بله، گذشته.  
امروز زود اومدید



پنظر می‌رسه هنوز  
باهام راحت نیست

جای تعجب نداره از  
اونجایی که خانواده هامون  
برای مدت خیلی طولانی  
رقبای سرسختی بودن

در واقع، به زودی "بنکی" بین ولیعهد  
و شاهزاده سوم برای جانشینی تاج و  
تخت سر خواهد گرفت



رای همین رابطه ها کم کم  
پرتنش میشن

...بذار واضح بگم.  
کسی که برف بازی و  
شروع کرد من نبودم

خواهرت ، لیزه،  
شروع کرد



الیزه؟



اونطور که فکر میکنی  
نیست~ فقط داشتم شوخی  
میکردم...



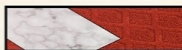
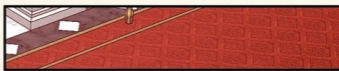
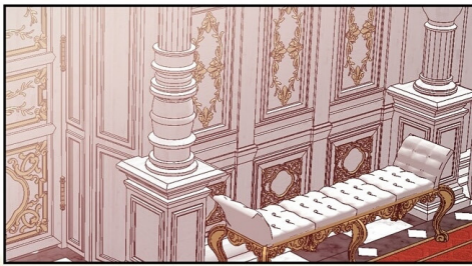
مهم نیست، حالا  
بیا بریم داخل

کیک آوردم

وایی



مرتب با خواهر  
کد میخورم!!



طعم چایی که الیزه  
درست میکنه انگار  
اشراف زاده ای از شرق  
اون و آماده کرده



هیچوقت نمیتونم  
چنین طعمی درست  
کنم...!

ما هردو بانوئیم،  
ولی تو واقعا فوق  
العاده ای

ی-یولیان

**BLUSH**







منم شوکه شدم

پذیرفته شدن به عنوان  
متخصص سلامت، حتی  
وقتی سلامت عالیچنان  
در وضعیت خوبی نبود...

تو متخصصی؟  
خوشحالم میبینمت

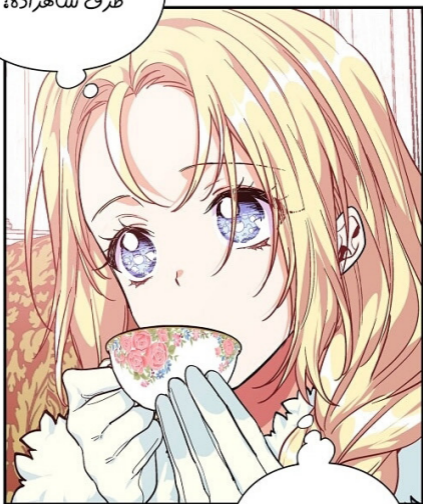
لیندن درخواستی ازت داشت.  
بعلاوه، من یه هدیه برات دارم

هرچند، چیزی بی سابقست  
و قبلا تا بحال اتفاق نیفتاده،  
پس فرمانده قصر با این  
ایده مخالفت میکنه

بنابراین، بخاطر  
روند قانونی طولانی  
یکم زمان میبره

فقط یکم دیگه  
صبر کن

درخواستی از  
طرف شاهزاده؟



در عچیم اون  
چی...

یک استاد ارشد در  
بیمارستان کراس سلطنتی...

ز اونجایی که کلی دکتر  
معروف اونجا هست از این  
حقیقت که یک بانوی جوان  
اونجاست متنفر نیستن؟



خب، بعضی ها هستن

ولی مشکلی نیست

چون بهش  
عادت داشتم

الان‌ش هم تعداد کمی  
استاد هستن که حتی  
نقدشون به من و  
مخفی هم نمی‌کنن...

چنین چیزهایی  
بتدریج ناپدید میشن

خب، دیگه کم کم  
باید رفع زحمت کنم



داری میری؟

همم. خیلی موندم  
پس دیگه وقت  
رفتن به خونست



بازم میای سر بزنی،  
درسته؟

دوست دارم ، ولی الیزه  
تو همیشه سرت شلوغه



امروز برات یه  
تعطیلی کمیاب بود

دفعه بعد که بیکار  
بودم بهت خبر میدم،  
باشه؟



مثل یه  
پاپی میمونه

WHINE  
،

PFFT




پ-ن: پاپی = توله سگ

کل کشور میدونن که  
شاهزاده چطور برای  
نجات رفت

وقتی که اسیر شده بودی  
علیرغم وجود خطر مرگ

مردم صداش میزنن هنرمند  
رومانتیک کشور، میدونستی؟





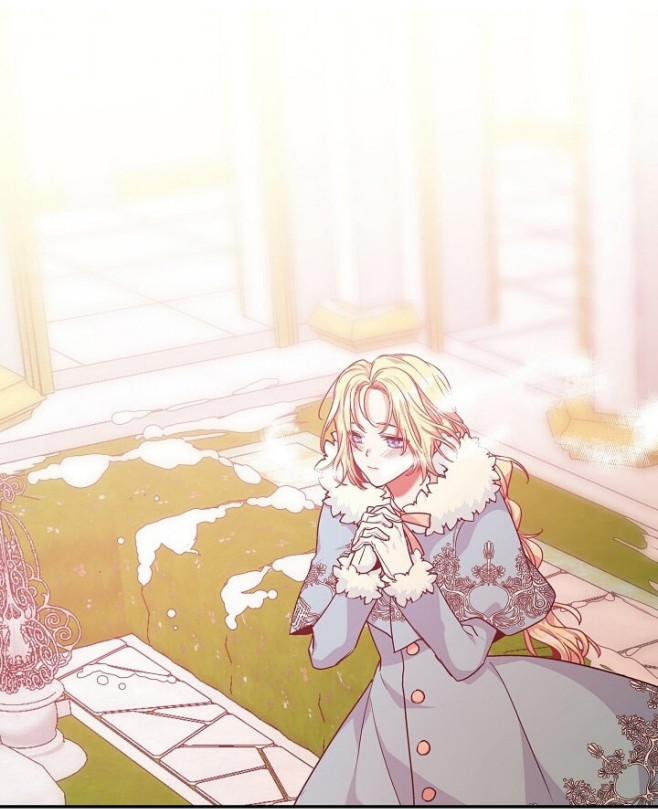
باشه، ولی واقعا دفعه  
بعد که سرت خلوت  
شد میتونم باهات وقت  
بگذرونم؟

چی؟

عالیجناب بزودی  
برمیگرده

از آخرین باری که همو  
دیدین ۱۰ ماه میگذره.  
دل تنگش نشدی؟





در گذشته ، هر شب  
خواب می دیدم اون  
داره اعدام می کنه

ولی حالا تو خوابام  
بهم لبخند میزنه





میخوام در اولین  
فرصت بینمش



سفن مترجم: سفنی ندارم  
ادیتور: --

H.\_H مترجم  
کلینر のために  
mohamad تایپست

kidari STUDIO

S N S  kidari\_STUDIO



BROUGHT TO YOU BY  
*bucci gang*

TRANSLATOR

◆ MEHRNAZ

CLEANER

◆ のために

TYPESETTER

◆ MR

PLEASE SUPPORT THE OFFICIAL RELEASE  
WHEN IT BECOMES AVAILABLE TO YOU!

CREDITS PAGE BY SALMON



**INJRAKA**